گزارشى از یک همایش هرمنوتیک و اجتهاد درفقه سیاسى شیعه

مقاله 5، دوره 15، شماره 57، پاییز 1387، صفحه 185-195

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

نویسنده

سید باقری

اصل مقاله

نخستین نشست از سلسله نشست هاى (هرمنوتیک و اجتهاد در فقه سیاسى) با حضور جناب آقاى دکتر حقیقت و اعضاى گروه فقه سیاسى چهارشنبه نهم بهمن 1387 در پژوهشکده اندیشه سیاسى پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامى برگزار شد.

دکتر سیدباقرى در ابتداى جلسه در زمینه ضرورت بحث به نکاتى مانند حضور قدرت مندانه روش هاى جدید در کنار روش هاى بومى ـ اسلامى, ضرورت شناخت و فهم سنجیده روش هاى جدید و تأثیر آنها در روش اجتهاد و تأثر از آنها, ضرورت بازخوانى, بازسازى و بازفهمى روش هاى بومى در مقایسه با روش هاى جدید و بایستگى ارائه تصویرى روشن و شفاف از دانش هرمنوتیک در جامعه ما و جلوگیرى برداشت هاى نادرست از آن اشاره کرد.

وى در اهداف این پروژه به نکات زیر اشاره کرد: بازشناسى مناسبات روشى اجتهاد و هرمنوتیک, شناسایى کاستى ها و توان مندى هاى روش اجتهاد براى پویایى و تحوّل آفرینى بیشتر در استنباطات سیاسى ـ اجتماعى و روزآمد از متون و نصوص دینى در نگرش تطبیقى با هرمنوتیک, سنجش میزان تأثیرپذیرى اندیشه وران مسلمان از هرمنوتیک و داورى درباره آن, گویاسازى نوع چالش ها در حوزه خوانش متن به ویژه متون دینى باتوجه به روش هرمنوتیک.

سپس دکتر حقیقت باتوجه به این پیش فرض ها, علوم طبیعى و انسان را به دلایل زیر از لحاظ روش شناسى متمایز دانست; دلایلى چون ارادى بودن جهان انسانى, موجبیت علوم طبیعى, تجانس محقّق موضوع ـ تحقیق در علوم انسانى و آگاهى انسان.

آن گاه وى افزود: پدیده هاى اجتماعى داراى ابعاد ذهنى خاصى هستند و با دنیاى خاص ارزش ها پیوند دارند و بدون اطلاع از این ارزش ها فهمیدنى نیستند. فهم و ادراک مشکلاتى دارد, از جمله این که مربوط به دنیاى خاص ضمیر فرد است و گزینشى و انسانى ـ ارزشى است و شناخت واقعیت حیات انسانى بدون در نظر گرفتن متن یا مجموعه, امکان نمى پذیرد.

وى در ادامه با اشاره به نفى هرمنوتیک کلّى گفت: در هنگام سخن گفتن از آن و جست وجو براى یافتن پیوند میان آن با اجتهاد, باید از نحله هاى هرمنوتیک سخن گفت.

در تبیین نحله هاى هرمنوتیک, هفت نحله مهم زیر را مطرح کرد:

1. هرمنوتیک شلایر ماخر: در هرمنوتیک شلایر ماخر چند نکته اساسى وجود دارد: ممکن نبودن کنار گذاشتن پیش داورى ها, تساوى دانستن دستور زبان با دانستن زبان (نه به عنوان زندان اندیشه), معناى نهایى متن, اصالت دادن به نیت مؤلّف, توقّف فهم متون مقدس بر فهم دستورى انواع عبارات و صورت هاى زبانى فرهنگى مؤلّف و فهم فنّى یا روان شناختى ذهنیت مؤلّف.

وى به این نکته پرداخت که از میان نحله هاى هرمنوتیک این نحله قرابت بیشترى از حیث روشى با روش اجتهاد دارد; زیرا که در روش اجتهاد نیز مجتهد در خوانش متون, در جست وجوى فهم نیت مؤلّف با تأکید بر فهم دستور زبان و گاه زمینه هاى روان شناختى صدور روایات است; آن گونه که در روش اجتهاد براى متون و نصوص اسلامى, معناى نهایى متن وجود دارد, حال ممکن است که مجتهد به آن دست یابد یا آن که به خطا رود.

2. هرمنوتیک دیلتاى: برخى از اصول آن عبارت است از تفاوت علوم انسانى (فرهنگى) و طبیعى (با تکیه بر کانت), آشتى بین تاریخیت انسان و عینیت علوم انسانى و آن گاه نقد اثبات گرایى. هرمنوتیک دیلتاى نه به دنبال شناخت متن است و نه به دنبال شناخت معناى متن.

3. هرمنوتیک وجودشناسانه هایدگر و گادامر: در این نحله هرمنوتیک, هایدگر و شاگرد او گادامر به چند نکته اساسى باور دارند. آنان هرمنوتیک را به مانند (روش) نمى دانند, بلکه آن را (بینش) مى شمرند. گادامر به مباحث معرفت شناسانه بازمى گردد و به تأثیر در ذهنیت مجتهد و عوض کردن بستر فهم او, توجه به پیش فرض ها و دور هرمنوتیک و لایه هاى فهم و نسبیت اشاره مى کند. این نحله هرمنوتیک باتوجه به آن که بینش است و نه روش و از آن جا که نوعى نسبیت نیز در آن وجود دارد, هرچند که نسبیت پست مدرنیستى نیست, با روش اجتهاد, قرابت و اشتراک چندانى ندارد. این شاخه هرمنوتیک به گونه اى است که در بینش و نوع نگاه پژوهش گر اثر مى گذارد و آن را دگرگون مى سازد.

4. هرمنوتیک عینى گراى بتى و هرش: عینیت تفسیر (برخلاف هرمنوتیک هستى شناسانه) و جداکردن فهم از تفسیر (در اوّلى نیت مؤلّف وجود دارد) نکته هاى گفتنى این شیوه هستند. از نظر منطقى هرگونه تطبیق و کاربرد از فهم اثر و پدیده تاریخى متأخر است. مداخله دادن سویه کاربردى در عمل فهم موجب تغییر در رسالت اصلى مفسّر مى شود; گادامر سویه کاربردى را جزء جداناپذیر هرگونه فهم و تجربه هرمنوتیکى مى داند, حال آنکه کاربرد و تطبیق فقط در برخى جاها زمینه دارد و حتى در جاهایى که تطبیق و کاربرد زمینه دارد, باید میان دوگونه مفسر تمایز گذاشت (براى نمونه, حقوق دان با مورّخ حقوق, تفاوت دارد).

بتى براى فرآیند فهم خود چهارمرحله نام مى برد:

یکم. مرحله فقه اللغه که مفسّر به تحقیق درباره نمادها و نشانه هاى ثابت متن مى پردازد;

دوم. مرحله انتقادى که روى کرد پرسش گرانه مطرح است;

سوم. مرحله روان شناختى که مفسّر خود را به جاى مؤلّف قرار مى دهد تا وضعیت ذهنى مؤلّف را بازشناسى کند;

چهارم. مرحله فنّى ـ شکل شناختى که بیشتر به تفسیر پدیده هاى اجتماعى اختصاص دارد.

5. هرمنوتیک انتقادى هابرماس که در آن بر گفت وگو, حوزه عمومى و رهایى تأکید مى شود.

6. هرمنوتیک ترکیبى ریکور: نوآورى در حکمت عملى, هویّت روایى, هرمنوتیک مضاعف, ترکیبى بودن, جمع بین تبیین و تفهّم, در نظر نگرفتن نیّت مؤلّف, نزدیک شدن به جماعت گرایى.

7. هرمنوتیک روش شناسانه اسکینر: نقد متن گرایى و زمینه گرایى براساس ویتگنشتاین متأخر.

گفتنى است که از میان این نحله ها, هرمنوتیک شلایر ماخر, هرمنوتیک عینى گراى بتى و هرش و هرمنوتیک روش شناسانه اسکینز از دیگر نحله ها با اجتهاد, قرابت و اشتراکى بیشتر دارند و از آنها در توان مندسازى برخى از مباحث اجتهاد مى توان یارى گرفت. البته این امر هرگز به معناى یک سان سازى میان اجتهاد و هرمنوتیک نیست.

در ادامه جلسه حاضران به طرح پرسش ها و مباحثى مانند ضرورت طرح (هرمنوتیک مقدس), بایستگى یا عدم بایستگى بهره گیرى از این روش ها در مطالعات و پژوهش هاى اسلامى, امکان یا عدم امکان گزینش برخى از اجزاء روش هاى هرمنوتیک در پژوهش هاى اسلامى, نسبیت در هرمنوتیک و… پرداختند.

سپس دکتر حقیقت با اشاره به شایستگى و بایستگى آگاهى پژوهشگران از این روش ها, بر لزوم بهره گیرى از این روش ها در مطالعات فقهى ـ سیاسى تأکید کرد و افزود: نمى توان گوشه اى از یک روش را برگزید و دیگر مباحث را رها کرد. روش مجموعه اى از اجزاء درهم تنیده است و به تعبیرى اگر پژوهشگر روشى را برگزید, باید به همه لوازم و آثار آن تن دهد, مگر اینکه پژوهشگر خود روشى جدید بنیاد نهد که البته این کار امرى سخت, دقیق و حساس است.